





دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه:

برای دریافت درجه فوق لیسانس علوم سیاسی

موضوع:

عوامل همسازی و ناهمسازی سیاسی با مرکز: بلوچستان ایران

استاد راهنما: دکتر ناصرهادیان

استاد مشاور: دکتر محمدستوده کار

۱۷۵۰۴

نویسنده: علی محمدزارع مهرجردی

نیم سال اول تحصیلی ۷۳ - ۱۳۷۲

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	طرح پژوهش
۹	مقدمه :
۲۰ - ۱۲۳	بخش اول : ویژگیهای طبیعی و انسانی بلوچستان
۲۰ - ۳۷	فصل اول : جغرافیای طبیعی
۲۰	(۱) موقعیت، وسعت و حدود
۲۸	(۲) ناهمواریها
۲۹	(۳) شرایط اقلیمی
۳۲	(۴) شبکه آبها
۳۵	(۵) پوشش گیاهی
۳۶	(۶) مرزی بودن
۳۸ - ۵۰	فصل دوم : شرایط اقتصادی
۴۱	(۱) کشاورزی
۴۳	(۲) دامداری
۴۳	(۳) صیادی
۴۴	(۴) قاچاق
۵۱ - ۹۷	فصل سوم : ویژگیهای اجتماعی
۵۱	(۱) ساختار جمعیتی
۵۱	الف : جمعیت و ویژگیهای آن
۵۴	ب : بافت قبیله‌ای و ساختار طبقاتی
۶۸	ج : ترکیب نژادی

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۷۱	(۲) ساختار فرهنگی
۷۲	الف: دین
۸۳	ب: زبان و خط
۸۵	ج: آداب و رسوم و ویژگیهای اجتماعی
۹۲	د: وضعیت آموزش و پرورش
۹۸ - ۱۲۳	فصل چهارم: تاریخچه قوم بلوچ و بلوچستان
۹۸	(۱) بلوچستان در تاریخ
۱۰۲	(۲) خاستگاه قوم بلوچ
۱۰۷	(۳) ورود اسلام به بلوچستان
۱۰۹	(۴) سرکوب مکرر بلوچها از داخل و خارج
۱۱۷	(۵) تقسیم بلوچستان
۱۲۴ - ۲۰۶	بخش دوم: ناهمسازی سیاسی و عوامل آن
۱۲۴ - ۱۵۸	فصل اول: نمودهای عینی ناهمسازی
۱۲۴	مقدمه: سابقه ناهمسازی بلوچستان
۱۲۶	الف: نمودهای سیاسی - نظامی
۱۲۶	(۱) درگیری مکرر با عوامل حکومت مرکزی
۱۳۰	(۲) تلاش در تشکیل قدرتهای محلی
۱۳۵	(۳) حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز
۱۳۸	(۴) تشکیل گروههای معارض با نظام
۱۴۳	ب: نمودهای فرهنگی - اجتماعی
۱۴۴	(۱) مفهوم قجر

صفحه	عنوان
۱۴۶	۲) فاصله‌گرفتن از زبان و ادبیات فارسی
۱۴۷	۳) برونگرایی در مسافرت و مهاجرت
۱۵۲	۴) برونگرایی در نمونه‌های مختلف فرهنگی
۱۵۴	۵) بی‌تفاوتی درقبال تحولات و مسائل حیاتی کشور
۱۵۹ - ۱۸۷	فصل دوم : عمده‌عوامل ناهمسازی
۱۵۹	الف : عوامل فرهنگی
۱۵۹	۱) مذهب
۱۶۱	الف : توجیه حرکت خوانین و اشرار
۱۶۴	ب : عدول از تئوری‌های فقهی و سیاسی آنها در موضع‌گیری نسبت به مرکز
۱۶۷	ج : تلاش در عدم جذب جوانان و جوانان به مدارس دولتی
۱۶۹	ه : تاثیرپذیری از بیگانگان و واگرایی از مرکز
۱۷۲	۲) آداب و رسوم و ویژگی‌های اجتماعی
۱۷۶	۳) بیسوادی عمومی و شکاف آموزشی
۱۷۹	ب : عوامل اجتماعی
۱۷۹	۱) موقعیت معنوی و مادی خوانین در میان قبایل
۱۸	۲) ساخت قدرت در نظام قبایله‌ای
۱۸۴	۳) ادراک منافع فردی و قومی در حفظ

	قدرت و ساختار قبيله
۱۸۵	(۴) تشكيل قدرتهاى محلى و سرپيچى از از قدرت مركزى
۱۸۸ - ۲۰۶	فصل سوم : زمينه‌هاى تشديدنا همسازى
۱۸۸	(۱) موقعيت جغرافيايى
۱۹۰	الف : دورى از مركز و ضعف ارتباطات
۱۹۳	ب : كوير
۱۹۴	ج : مرز
۱۹۶	ج۱) خط پذيرى سياسى
۱۹۷	ج۲) تسهيل امرقاچاق
۱۹۸	ج۳) فرار مجرمين از پيگردهاى قانونى
۲۰۰	(۲) شرايط اقليمى
۲۰۰	الف : ارتفاعات
۲۰۱	ب : باديه
۲۰۴	(۳) پيشينه تاريخى
۲۰۷ - ۲۵۳	بخش سوم : همسازى و راههاى رسيدن به آن
۲۱۱ - ۲۱۷	فصل اول : روشهاى همسازى در گذشته
۲۱۱	(۱) سرکوب شديد
۲۱۲	(۲) دامن زدن به اختلافات طائفه‌اى و بهره بردارى از آن
۲۱۴	(۳) تطميع سران

فصل دوم : روشهای پیشنهادی

۲۱۸ - ۲۵۳

الف : روشهای پیشنهادی در بعد فرهنگی

۲۱۸

(۱) ایجاد زمینه‌های رشد و توسعه

آموزش و پرورش و آموزش عالی

(۲) تأمین و تمرکز منابع دینی و

۲۲۲

روحانیت منطقه

(۳) تلاش در احیاء فرهنگ اتحاد اسلامی

۲۲۴

(۴) توجه به نسل جوان در بعد فرهنگی

۲۲۶

و اقتصاد

(۵) توسعه ارتباطات

۲۳۰

ب : روشهای پیشنهادی در بعد اجتماعی

۲۳۴

(۱) عمران و آبادی

۲۳۶

(۲) ایجاد مراکز اشتغال متناسب با

۲۳۹

فرهنگ و توان مردم بومی

(۳) به‌کارگیری افراد بومی در بخشهای

۲۴۱

دولتی در کنار درهای غیربومی

(۴) تلاش در مسیر سکونت‌گاه‌های

۲۴۴

سکونتگاههای پراکنده

(۵) ایجاد زمینه‌های مساعد برای مهاجرت

۲۴۷

دوسویه

(۶) حفظ و تقویت اقتصاد دولت مرکزی

۲۵۰

۲۵۴

۲۶۱

نتیجه

کتابنامه :

طرح تحقیق

(۱) موضوع تحقیق :

عوامل همسازی و ناهمسازی سیاسی با مرکز: بلوچستان ایران.

(۲) موضوع طرح تحقیق :

بلوچستان، همسازی و ناهمسازی سیاسی و ساختار فرهنگی-اجتماعی؟

(۳) طرح مسئله :

گرچه کلمه بلوچستان اغلب مشتق از نام نژادی است که در ناحیه وسیعی از جنوب و جنوب شرقی ایران و قسمتی از پاکستان امروزی زندگی میکنند، ولی آنچه در اینجا مورد بحث است نه بلوچستان پاکستان و نه هر منطقه‌ای از ایران است که در آن قومی از اقوام بلوچ زندگی میکنند، بلکه منظور از بلوچستان در اینجا منطقه خاصی است که امروز بخش اعظم استان سیستان و بلوچستان را در ایران تشکیل میدهد و شامل شهرهای زاهدان، ایرانشهر، خاش، سراوان، چابهار و بخشهای مربوطه میباشد.

بنابراین نام بلوچستان برای این خطه زدوره افشاریه مرسوم گردیده و تا قبل از آن این منطقه را مکران مینامیدند و هنوز هم پژوهشگران امروزی در آثار تاریخی ماقبل افشاریه مسائل این ناحیه را تحت عنوان مکران جستجو مینمایند. و شاید با توجه به همین نام است که امروزه نیز

بخش شمالی منطقه را سرحد و بخش جنوبی آن را مکران مینامند .
 خصوصیات قومی ، بافت قبیلہ ای ، ویژگیهای فرهنگی و مذهبیهی
 ، احساسات عمیق ناسیونالیستی ، بعد مسافت از مرکز سیاسی کشور ، مشکلات
 فراوان ارتباطی ، موقعیت جغرافیایی ، نارساییهای اقتصادی
 و حوادثی که در تاریخ بر آنها گذشته است باعث شده است که مردم این خطه
 نوعی روحیه پرهیز و عدم تجانس و بیگانگی با مرکز و حتی مرکزگریزی از خود
 بروز دهند . امری که گاه برخلاف اقتضای طبیعی مناطق مختلف یک کشور
 نسبت به مرکز یعنی همسازی و هماهنگی به ناهمسازی و ناسازگاری عینی منجر
 شده و عواقب تلخی را به بار آورده است . چنین روحیه و نگرشی صرفاً به
 قدرت مرکزی متوجه نبوده و مردم مرکز و هر غیر بلوچی نیز برای بلوچها
 و از دید آنها یک غریبه و بیگانه به حساب می آید . هنوز بلوچها غیر بلوچ را
 قجریا گجر مینامند و این واژه برای بلوچ تداعی معنای هجوم ، سرکوب
 و خشونت قاچاقچیان بلوچها را مینماید و بیگانگی و دشمنی از آن
 متصاعد میشود .

براین اساس و با این پیشینه تاریخی شاید بلوچ تا حدی محق باشد
 که نسبت به همکاران و هماهنگی با مرکز و سیاستهای آن با دیدی تردید آمیز
 نگریسته و حتی المقدور خود را از آن رها سازد و بدان دل نبسته و در راه آن
 تلاش ننماید ، و یا در مقابل آن موضع گیری خشونت آمیز داشته باشد . بدیهی
 است که چنین روحیه و نگرشی میتواند زمینه ساز زیاده های از مسائل حاد
 سیاسی باشد .

موضوع فوق الذکر در همین راستا خواهد کوشید تا با یک بررسی جامع
 شناختی پیرامون ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه بلوچی علل و عوامل
 عمده همسازی و ناهمسازی آنها را مورد بررسی قرار داده و در پایان

رهنمودهایی در جهت همسازی هرچه بیشتر ارائه نماید.

(۴) اهمیت موضوع:

اهمیت موضوع از دو بعد قابل توجه است. شناخت عوامل همسازی و نا همسازی بلوچستان از طرفی میتواند تحلیل درست تری از مسائل و مشکلات این منطقه را پیش پای مسؤولان و سیاستگزاران در تصمیم گیری - های ایشان بگذارد و آنها را در از میان بردن زمینه نا همسازی و ناسازگاری های احتمالی کمک نماید تا هماهنگی و یکپارچگی واقعی ملت تضمین گردد.

از طرف دیگر با توجه به برخی اشتراکات فرهنگی، مذهبی و ... بلوچستان با برخی کشورهای منطقه، و پیشینه تاریخی بلوچها که زمینه مساعدی برای تحریکات خارجی این بخش از کشور است و نقطه امید برای دشمنان وحدت ملی ایران محسوب میگردد اهمیت موضوع مضاعف میشود چه میتوان با شناخت بهتر منطقه و فراهم آوردن زمینه حل مشکلات آن بذرا امید را در دل دشمنان وحدت ملی کشور عقیم ساخت و امیدشان را به یاس مبدل ساخت.

(۵) علت انتخاب موضوع:

انگیزه انتخاب این موضوع برای من از سوئی به آشنایی نسبی ام به مسائل مردم منطقه بازمیگردد و از سوئی به اهمیت موضوع که ذکر آن گذشت.

اقامت بیش از ۴ سال متمادی و مسافرتها ی پراکنده بعدی به منطقه، آشنایی نسبی با فرهنگ، زبان، آداب و رسوم، و احساسات دینی آنها

و علاقه‌ای که به منطقه و مردم آن در این سالها برایم پدید آمده بود مرا بر آن داشت تا با انتخاب این موضوع و تلاش در بررسی علل و عوامل همسازی و ناهمسازی آنها گامی هر چند کوچک در جهت بهبود شرایط موجود منطقه بردارم و ذره‌ای از دین خود را به این مردم و کشورم ادا نمایم .

(۶) سابقه موضوع تحقیق :

مطالعه در مورد منابع و آثار موجود در مورد بلوچستان و عدم دستیابی به اثری پژوهشی در این زمینه چندان دور از انتظار نیست. اصولاً کتاب و منابع تحقیقی مکتوب در مورد بلوچستان هم نادر است هم نایاب است. نحوی که حتی در کتابخانه‌های بزرگ و مهم کشور و همچنین کتابخانه‌های معدودی که در خود منطقه و در شهرهای مختلف آن دایراست تنها تعداد انگشت شماری کتاب در این باره وجود دارد. آن هم در موضوعات کلی و پراکنده، شاید اساساً در دورانهای گذشته نیازی به پژوهش در این زمینه احساس نمیشده است. چه اغلب همسازی و سازگاری منطقه یک را بیشتر نداشته است :

"سرکوب نظامی".
بر همین اساس امید مساعده هر چه بیشتر است، تید محترم خود را در جهت تکمیل کار و متمم این پژوهش تا مرحله‌هایی و مطلوب را لازم چه پژوهش در زمینه‌ای که کار تحقیقی مشابهی صورت نگرفته باشد مشکلات فراوان و بیشتری را به دنبال دارد.

(۷) محدودیتهای طرح تحقیق :

همانطور که از موضوع طرح تحقیق برمیآید پژوهش حاضر صرفاً به رابطه ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه بلوچی با همسازی و ناهمسازی سیاسی

آن منطقه با مرکز میپردازد. بدیهی است که عوامل همسازی و ناهمسازی از حیثه این چارچوبه فرا ترمیرود، به عنوان نمونه عوامل خارجی موثر بر همسازی و ناهمسازی جایی محوری در مباحث ما ندارد مگر آنکه به ضرورت، در جایی مورد اشاره قرار گیرد. البته نباید از نظر دور داشت که عوامل عمده همسازی و ناهمسازی نیز همان عوامل داخلی است. و در این میان واژدید محقق ساختار فرهنگی و اجتماعی آن ناحیه از اهمیت ویژه ای برخوردار میباشد. به همین منظور پژوهنده صرفاً به عوامل فرهنگی و اجتماعی این پدیده پرداخته و برای تکمیل بحث شرایط تشدید و تقویت کننده این پدیده مانند موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی آن ناحیه را مورد بحث قرار میدهد و آنگاه روشهای دستیابی به همسازی و رهنمودهای مربوطه را ارائه خواهد شد.

(۸) روش و منابع تحقیق :

روش تحقیق ما در این رساله روش تحلیلی تاریخی است که البته گاه از روشهای دیگر هم به مناسبت استفاده شده است. از آنجا که پدیده همسازی به طور مطلق و نه در زمانی خاص مورد بحث قرار میگیرد لزوماً بیشتر این استفاده ما از همان روش تحلیلی تاریخی است.

اما در مورد منابع پژوهش در باره بلوچستان چند مشکل اساسی وجود دارد. اولاً "منابع مکتوب در این موضوع نسبتاً کم و ناپیمیشد، ثانیاً منابع مربوطه چندان قابل دسترسی نیست. ثالثاً اغلب منابع موجود پیرامون موضوعات کلی بوده و تحلیل درستی از مسائل در آنها مشاهده نمیشود. رابعاً عدم دقت و صحت برخی منابع موجود است که به واقع حکایت از آن دارد که نویسندگان آن هرگز بلوچستان را ندیده و با مردم آن سروکار

نداشته اند. با توجه به مسائل فوق الذکر پژوهنده خواهی که کنوشید ضمناً استفاده از منابع موجود و روش مطالعه از روشهای مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه نیز در تکمیل مباحث خود استفاده نماید هر چند اینگونه مطالعه نیز مشکلات خاص خود را داشته و با توجه به سطح بیسوادی بسیار بالا و وحشت و ترس بلوچها از شرکت در این امور، کار به سختی صورت میگیرد.

(۹) سوالات اصلی و فرعی :

در رابطه با سوال اصلی و فرعی بحث میتوان سوالات متعددی مطرح نمود. لکن یک سوال اصلی و دو سوال دیگر که با هم اهمیت خود نسبت به سوال اول فرعی محسوب میشوند قابل طرح است.

سوال اصلی این است که مهمترین عوامل نامساوی سیاسی بلوچستان با مرکز چیست؟ و دو سوال فرعی این است که:

- (۱) چه شرایط و زمینه‌هایی باعث رشد و تقویت عوامل نامساوی میگردد؟
- (۲) با توجه به عوامل و شرایط نامساوی راههای رسیدن به همسایگی کدام است؟

(۱۰) تز و فرضیه طرح تحقیق :

با توجه به مطالعات انجام شده و موضوع طرح تحقیق و همچنین سوالات مطرح شده تز و فرضیه طرح تحقیق به شرح زیر بیان میشود:

تز: ساختار فرهنگی - اجتماعی بلوچستان مبتنی بر عوامل و عناصر متعدد مذهب آموزش و سطح سواد عمومی، آداب و رسوم، بافت قبایلهای و نظام کاستی، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، و پیشینه تاریخی آن ناحیه میباشد.

فرضیه: ناهمسازی سیاسی بلوچستان با ساختار فرهنگی - اجتماعی آن ناحیه رابطه مستقیم دارد.

(۱۱) مفاهیم اصلی و تعاریف عملی:

هما نظور که مشاهده میشود ناهمسازی سیاسی در فرضیه پژوهش به عنوان متغیر وابسته و ساختار فرهنگی - اجتماعی بلوچستان متغیر مستقل محسوب میشود. منظور از ساختار فرهنگی سه عامل مذهب، سطح آموزش و سواد عمومی، و آداب و رسوم آن ناحیه و منظور از ساختار اجتماعی بافت قبایله‌ای و نظام کاستی آن میباشد. در اینجا ذکر این نکته ضرورت دارد که عناصردیگری چون موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی و همچنین پیشینه تاریخی بلوچستان از دید محقق به عنوان شرایط تشدید و زمینه‌های تقویت عوامل اصلی ناهمسازی محسوب میشود.

از آنجا که دو مفهوم همسازی و ناهمسازی مفاهیم اصلی پژوهش ما را تشکیل میدهند لازم است تعریف عملی آنها را نیز ارائه نمائیم ناهمسازی به معنی ناهم‌هنگی عدم پذیرش و ستیزه‌جویی درست در مقابل هماهنگی و همسازی قرار دارد. اگر در تعریف عملی ناهمسازی شاخصهایی چون:

- (۱) تعداد آدمکشی‌ها
- (۲) تعداد تظاهرات و گردهمایی‌های ضد دولتی
- (۳) شماردگرگیزی با عوامل حکومت مرکزی
- (۴) موضع‌گیری در مقابل عوامل محلی به دلیل همکاران با عوامل دولتی
- (۵) شمار حرکت‌های مخفیانه به انتیتهای عمومی (حمل و خرید و فروش سلاح و...)
- (۶) تلاش در تشکیل قدرتهای محلی
- (۷) وجود گروه‌های ضد دولت مرکزی

(۸) وجود ایده‌های تجزیه‌طلبی و خودمختاری و...
 را بپذیریم. در واقع به تعریف عملی همسازی نیز دست یافته‌ایم
 چرا عتقا دبراین است که هرچه زمین‌ان شاخصهای فوق الذکر و تکرار آنها
 در منطقه کاشته شود به همان نسبت همسازی و همگرایی تقویت شده است
 و نا همسازی زمانی مرتفع خواهد شد که شاخصهای فوق عینیت و یا زمین
 تحقق عینی در منطقه نداشته باشد.

(۱۲) سازماندهی پژوهش :

پژوهش حاضر در سه بخش و هر بخش شامل چند فصل تدوین شده است. بخش
 اول به ویژگیهای طبیعی و انسانی بلوچستان میپردازد. این بخش که تا
 حد زیادی جنبه توصیفی دارد به این منظور آورده شده است که خواننده را به
 طور اجمال با بلوچستان آشنا نموده، زمینه لازم را برای بیان مطالب
 بخشهای آینده فراهم نماییم. در بخش دوم به نا همسازی و عوامل آن
 میپردازیم. این بخش از مهمترین بخشهای پژوهش است. در این بخش
 تحلیلی از نا همسازی بلوچستان و علل و شرایط آن ارائه میشود که در بخش
 سوم به راههای همسازی بلوچستان با مرکز اشاره ^{میگردد} نموده و پیشنهاداتی
 را نیز ارائه میدهم و سرانجام به نتیجه‌گیری از پژوهش پرداخته و رساله
 خود را به پایان میبریم. تفصیل این مباحث در فهرست مطالب آمده است.

فصل هفتم
 و نهم